

سه شنبه ۴ دی ۱۳۹۷، ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰، ۲۵ دسامبر ۲۰۱۸، سال شانزدهم، شماره ۴۲۶۵

حرکات موزون

مقاله‌های علمی، شکایتای خاموش

مقاله‌های علمی، شکایتای خاموش / من و هجوم گریه، مقاله‌های من کوش؟

من بال و پر گرفتم به چیدن مقاله / چرا مقاله‌هامو کردین شما مجاله

مقاله‌هایی‌بی من پرهنده‌های خستن / تو زونکن و کیلم پرهنده‌های بستن

اگر نکرده بودم کیبی از اون مقاله / لازم نبود توجیه، لازم نبود ماله

اگه نگفته بودی آبرو نمی‌برد / دماغ من نمی سوخت، مقاله چین نمی خورد



مهدی استاد احمد

نگاه آخر

فریدون مجلسی

میلاد مسیح



شَب پایان پاییز را شب یلدا یعنی میلاد می‌نامیم. دربارۀ دلیل آن اسطوره‌هایی وجود دارد، از ولادت مهر که از بامداد آن شب بر رشد و درازای حضور روزانه‌اش افزوده می‌شود، تا ولادت سیاوش و تا میلاد مسیح که‌از قضا پیروانش شَبی را در همین محدوده زمانی به میلاد او تخصیص داده‌اند. درباره کسانی که می‌آیند و می‌روند و در جهان ردی از خود بر جای نمی‌گذارند، از تاریخ دقیق ولادت و روز مرگ‌شان نیز ردی بر جای نمی‌ماند اما آنهایی که گمنام می‌آیند و نامدار می‌روند و در دشتان بر جای می‌ماند و به قول امروزِ‌ها در شمار سلب‌ریتی‌های تاریخ جای می‌گیرند، میلادشان هم مارگدار و ماندگار می‌شود. اگر به گمنامی هنگام ولادت‌شان بیندیشیم ممکن است در صحت تاریخ ولادت این گونه بزرگان تردید کنیم، درباره میلاد مسیح نیز می‌توان به اختلاف ۱۰ روزه میان ۲۵ دسامبر که کریسمس اکثریت مسیحیان جهان است با ۶ ژانویه که کریسمس ارمنی‌های خودمان است، ۱۰ روز اختلاف وجود دارد.

در تاریخ ولادت پیامبر اسلام نیز میان روایات شیعه و اهل سنت یک هفته اختلاف است که آن را هفته وحدت نامیده‌اند. اما با توجه به اینکه گستردگی آیین مسیح در غیاب او رخ داد، سرانجام او نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

در مقدمه ترجمه «عیسای پادشاه» اثر رابرت گریوز نوشتیم: «این حقیقت که یک چهارم جمعیت جهان را مسیحیان تشکیل می‌دهند به خودی خود کافی است این کنج‌کاو را برانگیزد که مبانی اعتقادی آنان، سر برآورده از آیین یهود و مبتنی بر تعلیمات عیسی مسیح چیست؟ و چگونه انتشار آن در دنیای رومی و یونانی و آرامی و مصری و ایرانی و حبشی موجب آمیختگی آن با اساطیر و مناسک رایج در هر یک از آن فرهنگ‌ها در آن اعصار و تفاوت‌های مذاهب مسیحی شد.»

جالب است که نخستین پادشاه مسیحی جهان تیرداد اشکانی، پادشاه ارمنستان در آغاز قرن چهارم میلادی بود و کنستانتین امپراتور روم شرقی ۱۳ سال پس از او یعنی در ۳۱۲ میلادی مسیحی شد که قدم مهمی در قدرت‌یابی و گسترش مسیحیت به شمار می‌رود. کاهنان آیین چندخدایی هلنی تبدیل به کشیشان مسیحی شدند و بسیاری از مناسک و تعصبات رفتاری آیین هلنی را به کلیسا منتقل کردند.

کنستانتین برای نخستین‌بار محدودیت‌هایی برای آکادمی یعنی باغ‌افلاطون پدید آورد که هنوز مرکز بحث‌های فلسفی بود. فلسفه علم نیست، پرسش است، پرسش‌هایی که پاسخ به آنها در قالب‌های منطقی و استدلالی علم‌آفرین است. به همین دلیل ایجاد محدودیت برای فلسفه را که در قرن چهارم میلادی جانی تازه گرفت، بود، ضربه‌ای در توسعه علوم در دنیای یونانی می‌داند که طلی چند قرن پیش از آن توانسته بود با پروراندن دانشمندانی مانند فیثاغورث و ارشمیدس راهی دراز در تاریخ علوم بپیماید.

جالب اینکه سه قرن بعد یوستینیان، امپراتور دیگر بیزانس که هم دوره انوشیروان ساسانی بود طبق فرمانی در ۵۲۹ میلادی اعلام کرد: «از امروز آکادمی تعطیل است!» آن فرمان موجب گریز و پناهندگی استادان اصلی آکادمی از آتن به تیسفون شد و انوشیروان آنان را به گندی شاپور گسیل داشت تا به تعالی آن کمک کنند.

دوری بهتر درباره عیسی برگرفته از «عیسای پادشاه» در باب منش و کردار و فکرات عیسی در این روایت چنین ثبت نشده است که «چگونه عیسی با رفتندی ساده زندگی زنی را نجات می‌دهد که فریسی‌ها به خاطر زان‌آلوده سنگسار او هستند و می‌گوید «بگذارید نخستین سنگ را کسی از میان شما پرتاب کند که خود گناه نکرده باشد!»

میلاد چنین عیسایی مبارک باد.

متن در حاشیه

کاوۀولادی نسب

مرگ بر کنکور



یک نفر ۱۲ سال درس می‌خواند، در گرما و سرما تلاش می‌کند، صبح‌های زود از خواب شیرین دل می‌کند، قید خیلی از خوشگذرانی‌ها و لذت‌ها را می‌زند، کلی قانون و آیین‌نامه و امر و نهی مفید و غیرمفید را تحمل می‌کند، بعد سر بزنگاه، درست وقتی قرار است دس‌ترنج این سلوک را برداشت و مساله تلاش را فهم کند، عده‌ای کاسب‌سلک می‌آیند، می‌نشینند زیر پایش که: «مهم نیست؛ اینکه راه‌حل علمی این مساله رو بدونی یا ندونی، مهم نیست. بعدشم اگه بخوای از راهش حلش کنی، وقت خیلی تلف می‌شه. بیا من یه کلید بپد، صاف برسوندت به جواب.» اسمش را هم می‌گذارند «کنکه تستی.» سال‌ها و -وای بر ما- دهه‌هاست که شهروندان این‌طوری تربیت شده‌اند؛ نتیجه‌گرا و بی‌توجه به مفهوم فهم. جز آنها گیس و ریشی سفید کرده‌اند، بقیه ما محصول چنین نظام و ساختار آموزشی قناسی هستیم؛ ساختاری که وقتی پای محتوا می‌آید وسط، پر است از نصیحت‌ها و پندهای اخلاقی که «هررو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود، رهرو آنست که هسته و پیوسته رود»، اما خودش عین نتیجه‌گرایی و تهی کردن تلاش مستمر و دامنه‌دار از مناسات. وقتی نوجوانان جامعه‌ای را این‌طوری تربیت کردی، وقتی آنها را مشتتی آدم نتیجه‌گرا بار آوردی، وقتی عملاً چشم‌ت را روی مسیری که طی شده تا فلان نتیجه به دست بیاید بستی، دیگر نیاید از این همه فساد و بی‌اخلاقی مادی و معنوی تعبج کنی. صف‌های درازی که تابستان اسال برای خرید و همین دو هفته پیش برای فروش ارزهای خارجی و سکه‌های طلا درست شده بود، نتیجه همین دیدگاه و روش تربیتی است؛ دیدگاهی که البته خوب بلد است کارهایش را توجیه کند، اما در منتهالیه خودش، دیدگاهی عمیقاً ماکیاولیستی است؛ فقط دنبال کلیدی است برای رسیدن -صاف رسیدن- به جواب و تلاش عمیق و عرق ریختن برایش چندان معنایی ندارد.

تناظری یک‌بیکه در این میان برقرار است: همان چیزی را که در ۱۲ سال آموزش عمومی ابتدایی و متوسطه به خورد خلق‌الله می‌دهی، بعدها در جامعه باید تحویل بگیری. ساختار آموزشی کشور ما، ایرادهای زیادی دارد؛ از ضعف زیرساخت‌های اولیه بگیر (این را که می‌گویم، قلم در دستم مشتعل می‌شود، دلم آتش می‌گیرد و به پیاد دانش‌آموزان معصومی می‌افتم که سوختند و مدرسه‌های‌شان گوش‌شان شد تا فشار مالی‌ای که شانه‌معلم‌ها را خم کرده، از کتاب‌های درسی ناکارآمد بگیر تا سیستم ارزشیابی نادرست. اما بالاتر از همه اینها، کنکور قرار دارد؛ کنکوری که می‌گوید مهم نیست ۱۲ سال از زندگی‌ات را چطور گذرانده‌ای خوب یا بد، تکیلفرست‌نویشت در همین سه‌چهار ساعت معلوم می‌شود؛ چندتایی هم کلید هست که اگر پولش را داری، بسلف تا تقذیم کنیم. از همین رهگذر است که جامعه‌ای تستی و ملتی نتیجه‌گرا پدید می‌آید. من باهر شعاری که با «هرگ بر» شروع شود، مشکل دارم و مخالفم؛ فرهنگ ملی و دینی ما ایرانیان همیشه برای دیگران زندگی خواسته بوده، نه مرگ. اما از آنجا که هر قاعده‌ای استثنایی دارد، این مخالفت من هم یک استثنا دارد؛ باین یک شعار موافقم که «مرگ بر کنکور».

نخست‌روز



رونمایی از کتاب «شمسیه لندنیه»

عصر روز پنجشنبه در نشر پیدایش، کتاب تازه سیدعلی میرفتح رونمایی می‌شود. نام این کتاب «شمسیه لندنیه» است و داستانش روایتی طنزآمیز است از مواجهه حاج سیاح محلاتی از سفرنامه‌نویسان بنام عصر قاجار با شروک هولمز کار آگاه افسانه‌ای انگلیسی. این‌رمان پیش از انتشار در قالب یک پاورقی معتد در هفته‌نامه «گرگدن» منتشر شده‌است. قرار است در این مراسم رونمایی، فریدون مجلسی، اسداله امرایی و سیدعبدالجواد موسوی درباره این کتاب صحبت کنند. این مراسم ساعت ۱۸ بعدازظهر در آدرس خیابان پاسداران، خیابان شهید پایدار فر، خیابان شهید فلاح‌زاده، پلاک ۱۰۹ آغاز می‌شود.

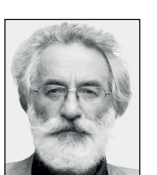
تیتَر مصور | جشن و جنگ

دمیرکی



در همین حوالی

تن زخم خورده عشق



جواد طولوی

پیمان معادی قبل از بازگری و کارگردانی، با فیلمنامه‌نویسی کار خود را در سینمای ایران آغاز کرد. از فیلمنامه‌های شاخص او می‌توان به «آواز قو» ساخته سعید اسدی و «کافه ستاره» سامان مقدم اشاره کرد. «همب یک عاشقانه» نیز به عنوان دومین فیلم بلند سینمایی او بیش از همه وامدار فیلمنامه خوب نوشته شده و پر از جزئیات است. آیدین آغداشلو در مصاحبه‌ای راجع به سینمای علی حاتمی در مجله «دنیای تصویر» به درستی گفت: «نوستالژی زمانی ارزش پیدایی می‌کند که به یک اثر هنر مندانۀ تبدیل شود. بدون شک، علی حاتمی یکی از شاخص‌ترین فیلمسازان مادر پوشش هنری دادن به ذات «نوستالژی» به شمار می‌آید. در حوزه نقد سینمایی و داستان‌نویسی نیز پرویز دواپی گرمای که اخیراً سالگرد تولدش بود، این ویژگی را داشته است. پیمان معادی از نسل هنرمندان این زمانه، نوستالژی را با حال و هوای خاص و منحصر به فرد دهه شصت می‌بیند و عاشقانه‌ای را در دل آن دوران ملتهب و پر اضطراب بر گزار می‌کند تا به جوهره اثرش رنگ و بوی هنری بدهد. او در خلق این دنیاسبست به فیلم‌اولش، چند گام به جلور داشته‌است. اگر «نوستالژی» را حدیث نفس شخصی و درونی یک انسان سرشار از احساس بدانیم،

خود به خود مخاطب‌مان را انتخاب و وجوه کمی‌اش را محدود کرده‌ایم. اما پیمان معادی در «همب یک عاشقانه» این هوشمندی را داشته که به نگاه و حس نوستالژیکش ابعاد اجتماعی بدهد و با این تمهید، مخاطب‌شناسی وسیع‌تری را تجربه کند، «پلان سکانس» خوب طراحی شده اول فیلم، نمایشی نوستالژیک در همان دهه شصت با یک موسیقی همخوان با این لحن است. بلافاصله در سکانس بعدی در داخل حیاط یک مدرسه پسرانه روی اشیایی همچون شیر آب، میکروفن عمودی سخرانی، پوستر فیلم «خانه دوست کجاست» عباس کیارستمی که گوشه پاره شده‌اش در باد تکان می‌خورد و... مکث می‌شود تا از این طریق به یک فضاسازی و نشانه‌شناسی در دل رئالیسم جاری آن دوران برسیم. معادی برای پرداختن به ابعاد همه جانبه رئالیسم آن مقطع تاریخی، به این مکث‌ها و خیره‌شدن‌ها و حس شاعرانه بسنده نمی‌کند و پیامد هولاکش را با انفجار و تخریب و هراس آدم‌ها به نمایش می‌گذارد.

مهم‌ترین ویژگی مضمونی «همب یک عاشقانه» که ساختار بیانی مناسبش را پیدا کرده این است که «عشق» را در دو نسل جست‌وجو می‌کند و از نسلی به نسل دیگر پیشنهاد می‌دهد. آن پسر نوجوان (سعید) در زیرزمین ساختمان مسکونی‌شان در میان جمعی نگران و پریشان، عشق را به غریزی‌ترین شکل تجربه و با



آن حرکت سایه‌وار دست‌هایش روی دیوار پناهگاه اجرا می‌کند. او در این حس پر شور وصف‌نشدنی، تک‌گویی خودش را دارد: «من جنگ و موشک و صدای ژبر و زیرزمین را دوست دارم...» متقابلاً می‌ترا و ایرج (لیلا حاتمی و پیمان معادی) در اوج سردی حاکم بر کانون زندگی ناشوئی‌شان، از این شور و شیدایی و حس کودکانه تأثیر می‌گیرند و به هم کلامی می‌رسند و دوباره به عشق خوشامد می‌گویند.

اما پیمان معادی ترجیح می‌دهد از یک «هی‌اند» باسمه‌ای فاصله بگیرد و پایان‌بندی فیلمش را در اجرا، خاستگری بر گزار کند. فریاد میترا که در دل ویرانی‌ها، تکیه گاهش ایرج را صدا می‌زند، پرده‌برداری از شعارهای دیواری مدرسه و... توپ پلاستیکی پاره و لهشده‌ای که زیر میله دروازه کوچک مدرسه گیر کرده...

زندگی هم‌چنان این لایه‌های چندوجهی را به نمایش می‌گذارد و گویی جایی ندخواه و امن برای نمایش عاشقانه‌ها نیست.

عکس‌نوشت



بحران محیط‌زیست و آلوده کردن دریاها به ماهیگیرها رسیده؛ بحرانی که خبرگزاری ایرنا سوزۀ مجموعه تصویری کرده و درباره آن نوشته: «بدشناسی ماهیگیران در داستان‌ها و کارتون‌های کودکِ میان‌زمانی بود که فلان‌شان درون آب تکانی می‌خورد و صید به‌ظاهر یک لنگه کفش بود. حالا این داستان به شکلی دیگر عینیت پیدا کرده و در ساحل دریا، به جای گوش‌ماهی و لاشۀ ماهی‌های به‌جامانده از مد‌رِیا، انواع کفش، کیف و وسایل دیگر به چشم می‌خورد؛ بخشی از آنها را مسافران در ساحل به جا گذاشته‌اند و بخشی دیگر نیز از فاصله‌های دور تر، با جریان رودخانه‌ها به دریا رسیده‌اند و در ساحل به گل نشسته‌اند.» عکسی که می‌بینید از این مجموعه انتخاب شده است.

اعتنا

Info@etemadnewspaper.ir

www.etemadnewspaper.ir

آیین نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید

■ **صاحب امتیاز و مدیرمسئول:** الیاس حضرتی
■ **جانشین مدیرمسئول و رئیس شورای سیاست‌گذاری:** بهروز بهزادی
■ **سرمدیر:** سیدعلی میرفتح
■ **معاون اجرایی:** حجت طهماسبی
■ **مشاور مدیرمسئول:** محمد حضرتی
■ **رئیس سازمان آگهی‌ها:** علی حضرتی
■ **نشانی:** خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، پن بست مینو
■ **تلفن:** فاخته ۶۶۱۲۴۰۲۵ – ۶۶۱۲۴۰۲۴ – ۶۶۱۲۴۰۲۱؛ نمابر ۶۶۱۲۴۰۲۱
■ **توزیع:** نشر گستر امروز ■ **تلفن:** ۶۹۱۹۳۳۰۰۰
■ **چاپ:** نشر روز تاب ■ **تلفن:** ۴۴۵۴۵۰۷۶

■ اذان ظهر: ۱۲/۰۴ ■ غروب آفتاب: ۱۶/۵۷ ■ اذان مغرب: ۱۷/۱۷ ■ صبح صحر فردا: ۵/۴۲ ■ طلوع آفتاب فردا: ۷/۱۲

به‌اضافه سیاست

سعیدشرعیتی

مجلس در راس امور است



مجلس شورای اسلامی در نگاه بیناگنداز جمهوری اسلامی و در فحوائ قانون اساسی «خانه ملت»، «عصاره فضايل ملت» و «در راس امور است.» امام خمینی (ره) مجلس را بدانجا رقت می‌بخشد که آن را برآمده از افلاک‌های ملت و حاصل خون‌های ریخته شده در پای نهال انقلاب می‌داند و حتی در باب نظریه فقهی‌شان در رابطه با رای نمایندگان مجلس می‌فرماید: «تشخیص دو سوم مجلس شورای اسلامی که محتسبی از علمای اعلام و مجتهدان و متفکران و متعهدان به اسلام هستند، در موضوعات عرفیه که تشخیص آن با عرف است، با مشورت از کارشناسان، حجت شرعی است که مخالفت با آن بدون حجت قوی‌تر خلاف طریقه عقلاست و چنان چه تغییر احکام اولیه، با شک در موضوع و عدم احراز آن با طریقه عقلا مخالف است.» موضوع رفتار اهانت‌آمیز و دون شأن یکی از نمایندگان مجلس در هفته گذشته و انتشار فیلم آن و... فضای افکار عمومی را به‌شدت تحت تأثیر قرار داد، به‌طور قه‌ری در فضای مجازی که آزادی بیان بیشتری وجود دارد انواع و اقسام واکنش‌ها از نقد تا اهانت و تمسخر و استهزا دیده شد و به‌طور عمومی هیچ‌کس پیدا نشد که از رفتار زشت و زنده‌نمانده سران کوچک‌ترین دفاع یا توجیهی ارایه دهد. دامنه تحت فشار قرار گرفتن نمایندگان مجلس تا جایی پیش رفت که دبیر شورای نگهبان در واکنشی طعنه‌آمیز خواستار برگزاری کلاس آموزش اخلاق و شؤون نمایندگی برای نامزدهای انتخابات شد و سخنگوی این شورا نیز با گالایه از نظارت حدالقی استصوابی خواستار افزایش اختیارات نظارتی شورای نگهبان تا حد نظارت استصوابی حاکم‌تری شد این بهره‌برداری‌ها و تحت‌فشار قرار دادن مجلس بیش از گذشته بود و صدا و سیما و مطبوعات وابسته به جناح اولگرا نیز در این زمینه سنگ تمام گذاشتند. در حالی که پیش از این، از این نوع رفتارها خصوصاً

یاداری‌چی‌های مجلس فراوان دیده شده بود. رفتارها و گفتارهای آقای «قاف» و جناب «کاف» پر از «گاف»‌هایی از این دست است. اما چرا آن مجلس مدنظر امام به چنین روزگاری افتاده است که داخل آن این چنین است و در بیرون و در میان سایر نهادهای حاکمیتی، چنین شده است. چرا اختیار «انحصار قانون‌گذاری» از مجلس سناسته شده و انواع و اقسام شوراهای عالی و دانی در کشور قانون‌گذاری می‌کنند؟ آن نظارت حدالقی استصوابی که آقای کدخدایی به آن اشاره کرده است که معنای ساده‌اش این است که مردم قییم لازم دارند و تنها آزادند به آنها که ما می‌گوییم رای دهند، مجلس را به چنین روزی دچار کرده است. آن مجلسی که مدنظر حضرت امام و مورد خواست عموم ملت و ملجا و پناه موکلان است چنین ویژگی‌هایی دارد که امام برمی‌شمارد: «ق‌ها وقتی مردم آزاد هستند یک نفر صالح را انتخاب می‌کنند. آرای عمومی نمی‌شود خطا کند و در ۲۰ میلیون جمعیت اشتباه نخواهد شد. بنابراین مردم احتیاج به قییم ندارند و در انتخابات آزادند. کسی نباید نظر خودش را بر مردم تحمیل کند و مردم هم نباید از کسانی که در راس هستند تقلید کنند. هیچ مقامی در ایران نیست که قدرت این را داشته باشد که یک وکیل تحمیل کند. بنابراین انتخابات دست مردم است و به همین دلیل، تمام مسولیت به عهده ملت است و همان‌طور که یک مجتهد در سرنوشت خودش باید دخالت کند یک دانش‌جوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند. انتخابات نه در انحصار روحانیون است و نه در انحصار احزاب. اکثریت هر چه گفتند آرای‌شان معتبر و منبع است ولو به ضرر خودشان باشد. انتخابات در انحصار هیچ‌کس نیست؛ نه در انحصار روحانیون است، نه در انحصار احزاب است و نه در انحصار گروه‌هاست. انتخابات مال همه مردم است. مردم سرنوشت خودشان دست خودشان است و انتخابات برای تحصیل سرنوشت شما ملت است. از قراری که من شنیده‌ام در دانشگاه بعضی از اشخاص رفت‌اند گفته‌اند که دخالت در انتخابات دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است... همان‌طوری که یک مجتهد در سرنوشت خودش باید دخالت کند یک دانش‌جوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند. این از آن توطئه سابق بدتر است برای ایران، برای اینکه آن، یک عده از علما را کنار می‌گذاشت... این تمام ملت را می‌خواهد کنار بگذارد.»

کسی حق ندارد به خاطر رفتار زنده یک نماینده یا یک مسئول دولتی با یک قاضی یا یک پلیس نهادهای عالی کشور را زیر سؤال ببرد و موجب تخفیف و تحقیر آنها نشود. در عین حال باید به این مردم‌همال که حرمت امامزاده را متولی نگاه می‌دارد اشاره و تاکید کرد برای داشتن مجلسی ملت‌تراز بزرگ ایران و ساختن خانه‌ای در خور ملت باید به گزاهایی که از بیناگنداز جمهوری اسلامی نقل شد، با دقت نظر بیشتری نگاه کرد و انحراف از این نظرات را اصلاح کرد.